

یکی از ثمرات و برکات شهادت حاج قاسم سلیمانی اما وحدت حداکثری ملت ایران بود چراکه حاج قاسم سلیمانی فرزند رشید و مجاهد ایثارگری بود که رهاورد جهاد شبانه‌روزی اش عزت و امنیت برای ایران و همه‌ی ملت بود و لذا: «این وحدتی که خوشبختانه در زیر تابوت پیکر مطهر شهید سلیمانی و شهدای همراه ایشان در بین مردم دیده شد باید محفوظ بشود، محفوظ بماند.» ۹۸/۱۰/۱۸

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۶۷ / دوشنبه ۲۳ دیماه ۱۳۹۸

یک اشتباه را با صد اشتباه کامل نکنیم

فارس: آنچه امروز مهم است این است که اشتباهی هدف قرار گرفتن هواپیما می‌تواند مرگبارتر از این، و این داغ می‌تواند سنگین تر از این هم بشود، اگر ما این اشتباه را با اشتباهات دیگری تکمیل کنیم، از جمله: ۱- از همان ابتدای انتشار بیانیه ستاد کل نیروهای مسلح، شایعاتی درباره استعفای مقامات عالیرتبه سیاسی و نظامی منتشر شد. خوشبختانه تا این لحظه هیچکدام از این شایعات تایید نشده. به نظر می‌رسد که این شایعه‌سازی‌ها بیشتر در راستای خبرسازی و ایجاد توقع کاذب در میان مردم صورت می‌گیرد. ۲- امروز خانواده‌های زیادی داغدار هستند. داغ آنها با شنیدن این خبر بیشتر هم شده است. یک ایران هم هم‌درد آنها هستند، بالاخص نیروهای نظامی که خود، متهم این ماجرا هستند. اما این داغ، بیشتر می‌شود اگر عده‌ای بخواهند بهره‌برداری‌های سیاسی‌شان را از آن بکنند. این غم، عمیق‌تر می‌شود اگر عده‌ای بخواهند آن را با خواسته‌های شخصی خودشان پیوند بزنند... ۳- آنچه تا این لحظه روشن شده، این فاجعه بر اثر تصمیم یک «فرد» گرفته شده. هرچند که مجموعه‌ای از اتفاقات دست به دست داده تا آن فرد به چنین تصمیمی برسد. اما نباید فراموش کنیم که آن فرد، یک نیروی نظامی بوده و در حال محافظت از یک مکان نظامی. آن هم در شرایط جنگی. ۴- این حادثه بد، در بدترین زمان ممکن هم اتفاق افتاد؛ یعنی دقیقا زمانی که ایران در یک عملیات بزرگ و پیچیده نظامی، قدرتمندترین نیروی نظامی دنیا را زیر سوال برده بود. می‌شود این هم‌زمانی را به اقدامات خرابکارانه ربط داد، یا حتی به قابلیت بوئینگ‌های آمریکایی که می‌توان هدایت آنها را توسط شرکت تولیدکننده در اختیار گرفت، اما بیایید همه این احتمالات را کنار بگذاریم و همه چیز را بگذاریم به حساب شانس و اتفاق. برگردیم به ۱۴۰۰ سال پیش. سپاه اسلام پس از پیروزی در جنگ بدر، به جنگ دیگری کشانده شد: احد. مسلمانان جنگ را با پیروزی پشت سر گذاشتند. اما خطای انسانی رخ داد. آن هم نه به خاطر اشتباه نظامی، بلکه به خاطر تمایلات شخصی تعدادی از نظامیان. آنجا هم ورق برگشت و جنگ مغلوبه شد. ده‌ها شهید، حاصل این اشتباه بود که «حمزه سیدالشهدا» فقط یکی از آنها بود. شایعات آن روز، آنقدر سپاه را ضعیف کرد که فقط چند نفر در اطراف پیامبر(ص) باقی ماندند. اما همان چند نفر، دوباره سپاه را جمع و جور کردند. همان شد که خدا هم کمک کرد، آرامشی بر سپاه حاکم شد و توانستند دوباره دشمن را عقب برانند. اما تکلیف آن اشتباه نظامی چه شد؟ «لَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ» خدا از آن اشتباه گذشت و به پیامبر هم دستور داد: «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ»

راز به شهادت رساندن سلیمانی

کیهان: سردار سلیمانی در هر موقعیت، ظرفیت‌سازی کرده است. امروز سلیمانی نیست ولی به طور قطع آثار راهبردی او تا ده‌ها سال بعد و شاید تا صد سال بعد باقی است و واقعاً «سلیمانی‌ها» هستند اما نه به این معنا هر فرد از نظر ظرفیت لزوماً یک «قاسم سلیمانی» است. یک روز عراق به اشغال مطلق نظامی آمریکا درآمد. سیصد هزار نیروی نظامی و امنیتی و با انواعی از تجهیزات نظامی و... وارد عراق شدند و از آنجا که عزم خود را برای انحلال ساختارهای نظامی، امنیتی و سیاسی این کشور جزم کرده بودند، مانعی بر سر راه آنان وجود نداشت و بعضی از سیاستمداران صاحب‌نام آمریکایی نظیر «هنری کیسینجر» گفته بودند اداره مستقیم عراق توسط دولت آمریکا لااقل ۱۰۰ سال به طول می‌انجامد که به معنایی حتی فراتر از «قیمومیت» بود. «جی گارنر» و «پل بریمر» هم بر این اساس برنامه نظامی ارتش آمریکا در عراق را تنظیم کردند و البته منظورشان هم فراتر از سلطه بر عراق، سلطه بر منطقه بود کما اینکه این سیاست - تسلط بر منطقه از طریق عراق - هنوز از دستور کار مقامات آمریکا خارج نشده است و دونالد ترامپ در آخرین سفری که - حدود دو سال پیش - به عراق داشت، گفت: آمریکا از طریق عراق رفتار جمهوری اسلامی را در سوریه کنترل می‌کند. در همان زمان تونی بلر نخست‌وزیر وقت انگلیس در بصره اعلام کرد این پیامی است به ایران تا به تغییرات اساسی در سیاست‌های خود مبادرت کند. در این شرایط سردار سلیمانی باید ابتدا حرکت تهدید را متوقف می‌کرد و سپس به طور اساسی آن را از بین می‌برد که به معنای اخراج نیروهای نظامی آمریکا از عراق بود. این کار بسیار دشواری بود. چرا که از یک سو ایران در عراق نیرویی نداشت و از سوی دیگر سیاست ایران، اجرای مستقیم عملیات علیه آمریکا نبود. بر این اساس مدیریت اخراج نظامی آمریکا از عراق ضمن آنکه بسیار دشوار و در مرز محال قرار داشت، به هوش ویژه و خارق‌العاده‌ای محتاج بود. سردار سلیمانی این مأموریت را با هوشمندی بسیار بالا و در زمانی - نسبتاً - کوتاه به سامان رساند. عراق در سال ۱۳۸۲ به اشغال نظامی آمریکا درآمد و برنامه آمریکا در سال ۱۳۸۴ به طور کامل با بن‌بست مواجه گردید و دو سال بعد ناگزیر به امضای توافقنامه امنیتی - بر مبنای خروج کامل از عراق - شد. این خروج از سال ۱۳۸۷ شروع و تا سال ۱۳۹۰ به پایان رسید. در این صحنه اگرچه امام خامنه‌ای - دامت برکاته - معمار اخراج آمریکا از عراق بود، اما عملیاتی شدن آن برعهده سردار سلیمانی بود که با درایت ویژه او به اجرا درآمد و به انتها رسید. اخراج نظامیان آمریکایی از عراق، پس از شکست در ویتنام در سال ۱۳۵۴، تلخ‌ترین خاطره آمریکا در چهل و چهار سال اخیر بوده است. هنوز آمریکایی‌ها نتوانسته‌اند توجیه درستی از خروج خود ارائه دهند و در طول ۸ سال اخیر به طور جدی درصدد بازگشت نظامی به عراق بوده‌اند و این راز راه‌اندازی داعش توسط آمریکا را برملا می‌کند. راه‌اندازی داعش بر مبنای یک دستور کار پیچیده استوار بود و درست از زمانی که خروج آمریکا از عراق قطعی شده بود، آغاز شد. سردار سلیمانی در میانه زمانی که آمریکایی‌ها بحث ائتلاف نظامی در منطقه را مطرح می‌کردند و تحلیلگران سیاسی از آنها به عنوان «خطر عمده» یاد می‌کردند و جلوه‌های مختلفی هم داشت که شامل ائتلاف نظامی کشورهای عضو ناتو، ائتلاف دوستان سوریه، ائتلاف ضد داعش، تشکیل ناتوی عربی می‌شد، عملاً به شکل‌گیری «ارتش اسلامی» مبادرت ورزید. اگر مسایل دهه اخیر منطقه را مرور کنیم در می‌یابیم که طرح‌های ائتلافی و اشتراکی و نیز ابتکارات نظامی - امنیتی غرب در منطقه با شکست مواجه شده‌اند و شکست هر کدام برای اعضای این جبهه یأس زیادی پدید آورده و آنان را منفعل گردانیده است.

منطق حقوقی برخورد با سفیر انگلیس

جوان: در میان تجمع غیرقانونی عصر یکشنبه دانشگاه امیرکبیر رابرت مک‌ایر سفیر انگلستان بازداشت شد و به فاصله ۱۵ دقیقه و به محض احراز هویت آزاد می‌شود و همین اتفاق عامل تولید حواشی و اتهامات حقوقی توسط پارلمان اروپا و مقامات رسمی دولت انگلیس علیه کشورمان شد؛ مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی ایران قوانین بین‌المللی را نقض کرده است. انگلیس و اروپایی‌ها مبنی بر نقض قوانین بین‌المللی توسط ایران در حالی است که حقوق بین‌الملل مصونیت دیپلماتیک را نسبی می‌داند و مشارکت سفیر یک کشور در تجمعات غیرقانونی کشور پذیرنده (میزبان) را مغایر با وظایف نمایندگی می‌داند. مصونیت دیپلماتیک که اروپا و انگلیس با استناد به آن هیاهوی حقوقی-رسانه‌ای علیه ایران به راه انداخته‌اند در کنوانسیون به نام «کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱)» به رسمیت شناخته شده است در حالی که برداشت اروپا-انگلیس از این کنوانسیون ناقص است و مصونیت مورد تاکید این کنوانسیون مطلق نیست. «ضرورت احترام مأموران سیاسی به قوانین کشوری که در آن مأموریت دارند» در ماده ۴۱ این کنوانسیون مورد تاکید می‌گیرد: «کلیه اشخاصی که از مزایا و مصونیت‌ها بهره‌مند می‌شوند بدون آنکه به مزایا و مصونیت‌های آن‌ها لطمه‌ای وارد شود مکلف هستند قوانین و مقررات کشور پذیرنده را محترم شمرده و از مداخله در امور داخلی آن کشور خودداری کنند. همچنین «رفتار خارج از وظایف دیپلماتیک» در ماده ۹ کنوانسیون وین ۱۹۶۱ این حق را به دولت پذیرنده (ایران) اعطا می‌کند تا نسبت به معرفی دیپلمات به عنوان «عنصر نامطلوب» اقدام و خواهان ترک دیپلمات می‌شود. همچنین از دیگر الزامات بین‌المللی، آن است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مشارکت مستقیم سفیر در تجمعات خیابانی و اقدام علیه امنیت ملی کشور را به کشور فرستنده اعلام کرده و چنین جرمی را از مراجع رسمی در حقوق بین‌الملل پیگیری کند. در حالی سفیر انگلیس مدعی است که برای شرکت در مراسم جان‌باختگان حادثه هواپیمای مسافربری بیرون از سفارتخانه حضور داشته است که هیچ‌گونه مراسم رسمی توسط هیچ‌کدام از خانواده‌های جان‌باختگان یا نهاد و سازمانی برگزار نشده است و وی در میان تجمعی غیرقانونی که شعارهای ساختارشکنانه و رفتارهای هنجارشکنانه داده‌اند، دستگیر شده است. حضور سفیر انگلیس در این تجمع جرم، مغایر قطعی وظایف نمایندگی است آن‌هم در حالی که سفرای کشورهای اروپایی بعد از تشدید تنش میان تهران-واشنگتن، از شهروندان خود در ایران و عراق می‌خواهند تا در مکان‌های پرجمعیت و پرتردد پرهیز کنند. رفتار ضابطان قضایی در برخورد با سفیر انگلیس نیز کاملاً قانونی بوده است به طوری که دیپلمات باید در برابر تحقیق یا بازجویی مقامات رسمی، مدارک هویتی خود را ارائه کند و مقام تحقیق نیز باید از مراجع ذی‌صلاح استعلام تا چنانچه شرایط مورد اشاره احراز شد، تصمیم قانونی را اتخاذ نمایند.

از سویی دیپلمات‌های خارجی نمی‌توانند با استناد مبهم به حقوق مربوط به مصونیت دیپلماتیک، «قوانین مصرح و عرف پذیرفته شده» را نادیده بگیرند؛ دیپلمات‌ها و سفرا قوانین کشور پذیرنده را طبق قانون پذیرفته‌اند و همانگونه که یکی از وظایف کشور پذیرنده «حفظ شأن دیپلمات» است، دیپلمات نیز باید قوانین مصرح آن کشور را رعایت کند. کما اینکه در ماده ۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ آمده است: «به جرائم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا غیرایرانی که در رابطه با شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده‌اند و به جرائم مأموران سیاسی و کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از مصونیت سیاسی برخوردارند طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران رسیدگی می‌شود.»

اتحاد کشورهای منطقه، راه غلبه بر آمریکای مزدور

رسالت: اقتصاد هر کشور دست خودش است و باید با توجه به شرایط قدم بردارد مؤثرترین اقدام علیه تحریم‌ها، دور زدن تحریم‌ها و جلوگیری از اعمال آن‌هاست تا اثربخشی آن کم شود. کشورهای همجوار باید به هم کمک کنند تا همگرایی افزایش یابد. در مورد سایر کشورهای پراکنده، با توجه به اینکه از امکانات ضعیف‌تری برخوردار هستند نیز این مسئله صدق می‌کند. بی‌شک اگر تمام کشورهایی که مورد تحریم آمریکا قرار گرفتند با یکدیگر متحد شوند می‌توانند به‌سادگی در مقابل آمریکا بایستند. متحدان باید اول دلار را از معاملات بین‌المللی حذف و سپس خرید و فروش کالاهای آمریکایی را در کشورهای خود ممنوع کنند. کشورهای تحت تحریم آمریکا باید معاملات خود و کشورهای دیگر را با غیر از دلار انجام دهند. اگر این کار متحدانه از سوی کشورها عملی شود، ضربه سنگینی به اقتصاد آمریکا وارد خواهد شد. این اتحاد منسجم، موجب می‌شود که بالغ بر ۶۰ درصد منابع و تبادلات مالی دنیا از قالب دلار خارج شود و نقش دلار در سرنوشت اقتصاد دنیا، به حداقل برسد. حذف دلار، تحریم خرید کالاهای آمریکایی و در نهایت پیوستن به بازارهای جهانی که آمریکا بر آن سلطه ندارد مانند بازارهای بین‌المللی و پیمان‌های اقتصادی که در آفریقا و قاره‌های دیگر تشکیل می‌شود و کاملاً مستقل از آمریکا هستند می‌تواند نقش بسیار مؤثری در جلوگیری اثرگذاری تحریم‌های آمریکا بر کشورها داشته باشد. کانال سیستم بانک جهانی و چرخش دلار در معاملات بین‌المللی، تحت کنترل آمریکا است و آمریکا فیلتری را در مسیر تبادلات مالی سیستم بانک جهانی بانکی قرار داده و بر این اساس بر نظام بانکی بین‌المللی سلطه دارد. در حال حاضر آمریکا تمام بانک‌ها را در حوزه قدرت خود دارد و به این دلیل است که این حق را برای خود قائل می‌شود تا با زور و قلدری تمام مبادلات مالی را که در سیستم بانک جهانی تبادل می‌شود را کنترل و برای آن تصمیم‌گیری کند. اگر کشورها تحت تحریم آمریکا، مبادلات مالی خود را خارج از این سیستم بانکی پیش ببرند می‌توانند این سیستم را ناکارآمد کنند.

